



10.22059/JIS.2022.344823.1123

Research Paper

Western Superpower in Chinese Viewpoints: Arsacid Territory in Chinese Historical Sources

Kolsoum Ghazanfari^{1✉} | Amin Babadi²

1. Corresponding Author, Assistant Professor of History, University of Tehran, Tehran, Iran.
Email: k.ghazanfari@ut.ac.ir
2. PhD student of ancient Iranian history, University of Tehran, Tehran, Iran.
Email: Aminabdalbadadi69@gmail.com

Article Info.

Received:
2022/06/21

Accepted:
2023/02/05

Keywords:
Parthian Empire, Chinese Sources, Han Empire, Indo-Parthian State, Balkh, Kushan Empire.

Abstract

Primary Chinese sources are considered important for studying Parthian history. The Parthian Empire came to power almost simultaneously with the Han Empire and had political, economic, ... relations with it. Therefore, this government has been considered by Chinese sources. The geographical scope of this government, especially in the eastern regions, is one of the issues addressed in these sources, and due to the lack of resources in this period, it can be very useful in explaining this issue and completing the report of Western sources. In the present study, the main question is what range of territory do Chinese sources draw for the Parthians, and what was the Parthian share in this illustration? Our study shows that information from Chinese sources about the Parthian territory is valuable, especially for the eastern borders. The Parthians, on the other hand, seem to have sought to portray their territory as larger than it was in the eyes of the Chinese by defining themselves as the sole superpower of the West, while excluding the Romans from international political and economic relations.

How To Cite: Ghazanfari, Kolsoum; Babadi, Amin (2023). Western Superpower in Chinese Viewpoints: Arsacid Territory in Chinese Historical Sources. *Journal of Iranian Studies*, 12(2), 101-123.

Publisher: University of Tehran Press.





ابرقدرت غرب از نگاه چینیان: قلمرو شاهنشاهی اشکانی در منابع چینی^۱

کلثوم غضنفری^۱ | امین بابادی^۲

۱. نویسنده مسئول؛ استادیار تاریخ، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: k.ghazanfari@ut.ac.ir
۲. دانشجوی دکتری تاریخ ایران باستان، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: Aminabdalbadadi69@gmail.com

چکیده	اطلاعات مقاله
<p>شاهنشاهی اشکانی تقریباً هم‌زمان با امپراتوری هان به قدرت رسید و با آن مناسبات سیاسی و اقتصادی و... داشت؛ بنابراین این دولت مورد توجه سالنامه‌های کهن چینی بود. گستره جغرافیایی این حکومت، به‌ویژه در مناطق شرقی، از مباحثی است که در این سالنامه‌ها بدان پرداخته شده و با توجه به فقر منابع این دوره می‌تواند در تبیین موضوع و تکمیل گزارش منابع غربی مفید باشد. هدف پژوهش حاضر، بررسی گستره جغرافیایی قلمرو اشکانیان در منابع چینی است. افزون بر این، نقش اشکانیان در تصویرسازی منابع چینی از قلمرو آنان هم تحلیل شده‌است. پژوهش حاضر به روش توصیفی - تحلیلی و به شیوه کتابخانه‌ای انجام یافته‌است. بررسی‌ها نشان می‌دهد اطلاعات منابع چینی درباره قلمرو اشکانی، به‌ویژه در سرحدات شرقی، بسیار ارزشمند است. همچنین به نظر می‌رسد اشکانیان خود را یگانه ابرقدرت غرب می‌دانستند و در عمل هم ضمن تلاش برای حذف رومیان از مناسبات سیاسی و اقتصادی بین‌المللی، سعی داشتند قلمرو خود را بزرگ‌تر از آنچه بود، در نگاه چینیان به تصویر درآورند.</p>	<p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۲۱</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۰۶</p> <p>واژه‌های کلیدی: قلمرو اشکانی، منابع چینی، امپراتوری هان، هندوپارتیان، بلخ، کوشانیان.</p>
<p>استناد به این مقاله: غضنفری، کلثوم؛ بابادی، امین (۱۴۰۲). ابرقدرت غرب از نگاه چینیان: قلمرو شاهنشاهی اشکانی در منابع چینی. فصلنامه پژوهش‌های ایران‌شناسی، ۱۲(۲)، ۱۰۱-۱۲۳.</p>	
<p>ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.</p>	



۱. مقاله حاضر برگرفته از طرح پژوهشی شماره ۱۲۶۵ با عنوان «نقش جاده ابریشم در گسترش فرهنگ ایرانی در چین» از مرکز مطالعات و همکاری‌های علمی بین‌المللی وزارت علوم است.

مقدمه

تمدن‌های بزرگ جهان باستان معمولاً به دلیل کم‌آگاهی از جغرافیای جهان و علاقه به معرفی قدرت خود، اقوام و حکومت‌های دیگر را کم‌اهمیت و پیرامونی، و خود را مرکز جهان می‌شناختند. این رویکرد، تلاش در معرفی جغرافیای قلمرو خود و گاه اغراق در این زمینه را به دنبال داشت. در دوران نوآشوری، نگاشتن کتیبه‌هایی دربارهٔ حدود و وسعت قلمرو آشور (حتی با کمی اغراق) غریب نبود (ر.ک. دیاکونوف، ۱۳۴۵: ۶۹۷). در دوران هخامنشی با گسترش قلمرو، تأکید بر وسعت آن بیشتر شد و کوروش دوم (۵۵۹-۵۳۰ پیش از میلاد) در استوانهٔ خود از حکومتش بر هر گوشهٔ جهان سخن گفته‌است (رزمجو، ۱۳۸۹: ۶۶). داریوش یکم (۵۲۲-۴۸۶ پیش از میلاد) و خشایارشا (۴۸۶-۴۶۵ پیش از میلاد) نیز بارها در کتیبه‌هایشان سرزمین‌های زیر فرمان خویش را نام برده‌اند (3; *DSe*: 3; *DPe*: 2; *DNa*: 3; *DB*: 6; *XPh*: 3؛ لوکوک، ۱۳۸۹: ۲۱۸، ۲۶۲، ۲۷۲، ۲۷۸، ۳۰۹). بعدها کوروش جوان خطاب به یونانیان، قلمرو پدرش را در جنوب، از جایی که از گرما، زیستن در آن سخت بود و در شمال تاجایی که از سرما زندگی کردن ممکن نبود، وصف کرده‌است (کسنفون: ۷/۱). قلمرو سلوکیان در گزارش آپیان^۱، از سُغد تا آسیای کوچک را شامل می‌شود (۵۱/۱۱) که با کمی اغراق نیز همراه است. بر این اساس در آسیای غربی پیشاشکانی، سنت توصیف و گاه بزرگ‌نمایی قلمرو حکومتی در گفتار فرمانروایان وجود داشت. اشکانیان که بر میراث پیشینیان تکیه زده بودند نیز همین سنت را الگو گرفتند. از آنان کتیبه‌ای دربارهٔ حدود قلمروشان باقی نمانده‌است، اما از منابع بازمانده، به‌خصوص منابع چینی، می‌توان برای بازسازی قلمرو اشکانی و البته تلاش آن‌ها برای بزرگ‌نمایی قلمرو خود بهره جست.

دو عملیات عمدهٔ چینیان در آسیای مرکزی، اطلاعات آنان را از جهان غرب بسیار افزایش داد. در زمان امپراتور وو-تی^۲ (۱۴۱-۸۷ پیش از میلاد) از سلسلهٔ هان، جنگ‌های پیروزمندانه‌ای بر ضد قبایل خیونگ‌نو/هیونگ‌نو^۳ به راه افتاد (تورلی، ۱۹۷۱: ۷۱-۷۲؛ وانگ، ۲۰۱۸: ۲۶-۲۷)، ولی خطر رفع نشد و روابط آن‌ها بر مبنای اوضاع زمانه تغییر کرد. در همین زمان، امپراتوری هان برای رقابت با خیونگ‌نوها به ایجاد رابطه با غرب احساس نیاز کرد و عمده‌ترین دلیل ایجاد ارتباط چین با غرب که با سفر مشهور جان چیان^۴ به وقوع پیوست، یافتن هم‌پیمان نظامی در میان قبایل یوئه‌ژی بود (فیتزجرالد، ۱۳۸۴: ۱۹۸). در سدهٔ نخست میلادی به فرمان امپراتور مینگ^۵ (۷۵-۵۷ میلادی) سردار مشهور چینی، بان‌چائو^۶، در سال ۷۳ میلادی

1. Appian
2. Wu-ti
3. Xiongnu or Hsiungnu
4. Zhang Qian
5. Ming
6. Ban Chao

عملیات خود را در غرب چین آغاز کرد که با جنگ در برابر خیونگ‌نوها همراه بود و سرانجام منجر به فتح مجدد حوزه تاریخی^۱ شد (همان: ۲۱۸-۲۱۵). او سپس سفیری به نام گان‌یینگ^۲ برای شناسایی سرزمین‌های غربی روانه کرد و دور دوم کسب اطلاعات چینیان از غرب آغاز شد (همان: ۲۱۹-۲۱۸).

براساس ارتباطات یادشده و بازتاب آن در منابع چینی، پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که منابع چینی چه گستره‌ای از قلمرو را برای اشکانیان ترسیم کرده‌اند و سهم اشکانیان در این تصویرسازی چه بوده است؟ اهمیت پژوهش حاضر در تعیین حدود تقریبی شاهنشاهی اشکانی بر مبنای منابع شرقی و نیز تکمیل داده‌های منابع غربی در این زمینه و همچنین بررسی اقدامات اشکانیان در معرفی حدود قلمرو خود به قدرت شرقی است. محدوده زمانی و مکانی موضوع به ترتیب تمام دوره اشکانی و قلمرو جغرافیایی آنان را در بر دارد، اما با توجه به تأکید و توجه داده‌های منابع چینی بر مناطق شرقی قلمرو اشکانی، تمرکز پژوهش بیشتر بر این نواحی است. موضوع مقاله، پیشینه پژوهش ندارد، اما آثاری وجود دارد که به‌طور پراکنده به برخی مسائل مرتبط با آن پرداخته است. فن گوتشمید (۱۳۵۶) در برخی موارد از منابع چینی برای شناخت جای‌نام‌ها و حدود شاهنشاهی اشکانی بهره برده است. پاشازانوس و یانگ (۲۰۱۸: ۱۲۳) در مقاله‌ای تلاش کرده‌اند تا جای‌نام‌های مندرج در منابع چینی را براساس اسناد موجود و نظرات پژوهشگران مختلف جایابی کنند. پژوهش‌های مذکور به قصد تعیین حدود اشکانیان انجام نشده و تلاش اشکانیان برای تصویرسازی خود در مقام بزرگ‌ترین قدرت غربی در نگاه چینیان، مورد توجه پژوهشگران یادشده قرار نگرفته است.

۱. منابع چینی

اطلاعات مربوط به اشکانیان را در آثار چینی که عبارت‌اند از شی‌جی^۳ از سی‌ما چین^۴ (۱۴۵-۸۶ پیش از میلاد)، هان‌شو^۵ از بان‌گو^۶ (۳۲-۹۲ میلادی)، وی‌لو^۷ از یوهوآن^۸ (سده سوم میلادی)، هوهان‌شو^۹ از فان‌یه^{۱۰} (۳۸۹-۴۴۵ میلادی) می‌توان باز یافت (پُش، ۱۳۹۲: ۵۴۶-۵۴۷؛ وانگ‌تائو، ۱۳۹۳: ۱۱۲)^{۱۱}. چینیان

1. Tarim
2. Gan Ying
3. *Shiji*
4. Sima Qian
5. *Hanshu*
6. Ban Gu
7. *Weilüe*
8. Yu Huan
9. *Hou Hanshu*
10. Fan Ye

۱۱. در این مقاله ترجمه‌های مختلفی از متون چینی بررسی شده و از بین آن‌ها برای شی‌جی از ترجمه انگلیسی Bortun؛ Watson vol. I, 1971; vol. II, 1993؛ برای هان‌شو از ترجمه انگلیسی هولسویه 1979 A. F. P. Hulsewé و

شاهنشاهی اشکانی را آن‌شی^۱ می‌نامیدند که به صورت An-sik* در چینی میانه اولیه قابل بازسازی و برگرفته از نام ارشک، بنیان‌گذار شاهنشاهی اشکانی، است (لزلی و گاردینر، ۱۹۲۸: ۲۸۸؛ وانگ‌تائو، ۱۳۹۳: ۱۱۶). از مشکلات اصلی در استفاده از منابع چینی، دشواری تعیین زمان نوشته‌های آن‌هاست. مشکل دیگر این است که در اضافه کردن اطلاعات جدید به تاریخ‌های قدیم، بسیار محتاطاند (برای توضیح بیشتر ر.ک. لزلی و گاردینر، ۱۹۹۵: ۶۳-۶۴).

۲. دولت‌های نیمه‌مستقل در شاهنشاهی اشکانی

برای شناخت قلمرو اشکانی در منابع چینی، ابتدا باید درک دقیقی از وجود دولت‌های نیمه‌مستقل در این دوره و میزان تعلق آنان به قلمرو اشکانی داشته باشیم که البته خود وجود این مسئله باعث ایجاد کلان‌روایتی مبنی بر ضعف ساختاری این شاهنشاهی شده است (برای نمونه، ر.ک. کاشلنکو، ۱۳۸۵: ۱۴۹؛ گرگوراتی، ۲۰۱۷: ۹۵-۹۶). از روی داده‌های مختلف می‌توان وجود دولت‌های دست‌نشانده را در گرجستان، ارمنستان، آتروپاتن^۲، گوردوئنه^۳، آدیابنه^۴، اوسروئنه^۵، هترا^۶، میشان (خاراسن)^۷، الیمایی^۸، پارس، سکستان، مرو، گرگان اثبات کرد (لوکونین، ۱۳۸۰: ۹۵؛ کاشلنکو، ۱۳۸۵: ۱۴۹؛ گرگوراتی، ۲۰۱۶: ۵). در دوران اشکانی، این قدرت‌های محلی که روند ایجاد آن‌ها از دوران سلوکی شروع شده بود، تلاش چندانی برای استقلال نکردند. دلیل آن را باید در منافع متقابل دو طرف در حفظ ساختار دست‌نشانده دانست که عبارت بود از تعهدات نظامی متقابل و نیز بهره‌وری دولت مرکزی از توان نظامی و اقتصادی دولت‌های دست‌نشانده در مناسبات خارجی و داخلی و در مقابل، حمایت سیاسی دولت از آن‌ها (بروسیوس، ۱۳۹۶: ۱۵۸-۱۵۶؛ گرگوراتی، ۲۰۱۶: ۵؛ گرگوراتی، ۲۰۱۷: ۹۷). سیاست اشکانیان در قبال حکومت‌های تابع ذیل سه روش دسته‌بندی شده است: در روش نخست که در برهه‌های زمانی خاصی در مقابل دولت‌های خاراسن و اوسروئنه و الیمایی اتخاذ شد، فتح این سرزمین‌ها در عین حفظ دودمان حکومتی سابق بود. در مقابل، این دولت‌ها نیز تعهدات سیاسی و اقتصادی خود را در مقابل دولت مرکزی حفظ کردند. روش دوم که از نیمه دوم سده یکم پیش از میلاد به بعد اتخاذ شد و در سده یکم میلادی

برای هوهان‌شو و وی‌لو از ترجمه آلمانی Gloze Uta & Kerstin Storm, 2010 استفاده کرده‌ایم.

1. Anxi
2. Atropatene
3. Gorduene
4. Adiabene
5. Osroene
6. Hatra
7. Maishan (Characene)
8. Elymais

شدت بیشتری یافت، اشغال سرزمین‌های تابع که کارآمدی سابق را نداشتند و برکناری دودمان فرمانروا و سر کار آوردن یک دودمان بومی دیگر بود که قدرت عالیّه اشکانیان را بهتر بشناسد؛ این سیاست در دولت‌های آدیابنه و اوسروئنه و خاراسن اجرا شد. روش سوم که از سده ۱ میلادی در دستور کار قرار گرفت و به تدریج دولت‌های خاراسن و الیمایی و آتروپاتن و ارمنستان را شامل شد، برکناری کامل دولت‌های محلی و انتصاب فرمانداری از دودمان اشکانی بر تخت حکومت بود (گرگوراتی، ۲۰۱۷: ۹۸-۱۰۱). این سیاست‌ها بسته به شرایط زمانی، متفاوت بود اما بررسی‌ها نشان می‌دهد اشکانیان در مقابل دولت‌های دست‌نشانده سیاستی اتخاذ کردند که گرگوراتی اصطلاحاً آن را «انعطاف‌پذیر^۱» می‌نامد. بر این مبنای دولت‌های دست‌نشانده را باید جزئی از قلمرو شاهنشاهی اشکانی در درون سرحدات این کشور در نظر گرفت که به دولت مرکزی وفادار بودند یا به انواع روش‌ها مجبور به این کار می‌شدند. در منابع چینی نیز گاهی از این دولت‌های دست‌نشانده نام برده می‌شود که باید در همین چهارچوب در نظر گرفته شوند. نام دولت‌های مرو و سکستان و خاراسن (ر.ک. صفحات بعد) در منابع چینی بیشترین بسامد را دارند و البته گاه به‌صورت مبهم ذکر شده‌اند و همین امر شماری از پژوهشگران را دربارهٔ تابعیت این دولت‌ها از اشکانیان دچار اشکال کرده‌است. مرو و خاراسن در متون چینی به وضوح تابع اشکانیان معرفی شده‌اند، ولی دربارهٔ سکستان این صراحت را نمی‌توان یافت و به بررسی عمیق‌تر و مقایسه با منابع دیگر نیاز است (اسمیت، ۱۹۰۶: ۵۵-۵۶). با توجه به اینکه حتی گاهی از ارسال سفیران چینی به دولت‌های دست‌نشانده اشکانی چون تیائوچی^۲ (خاراسن) سخن به میان می‌آید (وانگ‌تائو، ۱۳۹۳: ۱۲۸)، باید در استفاده از منابع چینی در خصوص استقلال این دولت‌ها محتاط بود.

۳. قلمرو اشکانیان در منابع چینی تا پیش از برآمدن کوشانیان

در شی‌جی (۱۲۳) دربارهٔ قلمرو اشکانیان آمده‌است: «آن‌شی چند هزار لی^۳ در غرب دایوئه‌چی^۴ قرار گرفته‌است... در کنار رود گویی/کویی^۵ است... در غرب کشور آن‌شی، تیائوچی و در شمال یان‌کای^۶ و لیکان^۷ قرار گرفته‌است... تیائوچی چند هزار لی در غرب آن‌شی و چسبیده به دریای غرب است... آن‌شی این کشور را به تسخیر درآورده و آنجا را جزو اقمار خود کرده‌است... به این ترتیب امپراتور با سرزمین‌های

1. flexible
2. Tiaozhi

۳. مقیاسی چینی و معادل حدود ۴۱۵ متر بود.

4. Da Yuezhi
5. Gui/Kuei
6. Yancai

۷. Likan؛ براساس منابع بعدی چینی، با سوریه قابل تطبیق است.

بزرگی همچون دایوان^۱، داکسیا^۲، آن‌شی و... آشنا شد... از مرز شرقی تا شهر تخت‌گاه شاه چند هزار لی فاصله بود». مؤلف شی‌جی، اهم داده‌های خود را از جان‌چیان گرفته که در دوران جنگ‌های وو-تی با خیونگ‌نوها دو بار به آسیای مرکزی فرستاده شد. در سفر اول که حدود سال ۱۳۸ پیش از میلاد به وقوع پیوست، او اسیر خیونگ‌نوها شد و ده سال را در اسارت گذراند، ولی موفق به فرار شد و پس از کسب اطلاعاتی درباره سرزمین‌های غربی چین و اسارت کوتاه‌مدت دیگری، در سال ۱۲۶ پیش از میلاد به چین بازگشت (باکلی اربری، ۱۹۹۷: ۶۹؛ فیتزجرالد، ۱۳۸۴: ۱۹۸-۱۹۹). سفر دوم جان‌چیان که به همان قصد اول (در حدود سال ۱۱۵ پیش از میلاد) انجام گرفت، نتایج بهتری به بار آورد؛ بنابراین اطلاعات مندرج در شی‌جی مربوط به پیش از سال ۱۱۵ پیش از میلاد است. پس از کشته شدن فرهاد دوم (۱۳۹/۱۳۸-۱۲۸ پیش از میلاد) و اردوان یکم (۱۲۸-۱۲۳/۱۲۴ پیش از میلاد) به ترتیب در جنگ با سکاها و یوئه‌ژی‌ها، مهرداد موفق شد بیابان‌گردان آسیای مرکزی را مغلوب کند و سرزمین‌های وسیعی در شرق را متصرف شود. داده‌های سکه‌شناسی در این زمان به فتح سرزمین‌های مرو و هرات گواهی می‌دهند (دیاکونوف، ۱۳۵۱: ۵۷).

در هان‌شو نیز درباره قلمرو اشکانیان آمده است: «پسر آسمان آگاه شد که سرزمین‌هایی از قبیل دایوان، داکسیا و آن‌شی همگی کشورهای بزرگی هستند... تخت‌گاه حکومت شاه [آن‌شی] شهر فاندو^۳ است. شهر ۱۱۶۰۰ لی از چانگ‌آن فاصله دارد... [آن‌شی] در شمال با سرزمین کانگیو^۴ در مشرق با ووئی‌شان‌لی^۵ و در غرب با تیائوچی هم‌مرز است... بر سواحل رود گوئی قرار گرفته است... مرز شرقی چندین هزار لی با تخت‌گاه شاه فاصله دارد...» (هان‌شو: ۹۶A). در همین اثر، درباره سرزمین ووئی‌شان‌لی آمده است: «۱۲۲۰۰ لی با چانگ‌آن فاصله دارد... در شرق در مجاور سرزمین چی‌پین^۶، در شمال مجاور پوتائو^۷ و در غرب مجاور لیکان / تیائوچی است... پس از یک سفر صدروزه یا بیشتر (از ووئی‌شان‌لی) به تیائوچی می‌رسیم» (همان).

شناخت جای‌نام‌های مندرج در دو متن فوق برای بازسازی سرحدات شاهنشاهی اشکانی ضروری است. دایوئه‌چی به معنای یوئه‌ژی بزرگ، در واقع اشاره به قومی دارد که بعدها دولت کوشان را تشکیل دادند و پژوهشگران امروز در تطبیق دایوان با فرغانه و داکسیا با بلخ هم‌سخن هستند (فن‌گوتشمید، ۱۳۵۶: ۱۰۹-۱۱۰؛ زیمال، ۱۳۸۰: ۳۴۵). هم در شی‌جی (۱۲۳) و هم در هان‌شو (۹۶A)، یوئه‌ژی‌ها در شمال

1. Da Yuan
2. Daxia
3. Fandou
4. Kangju
5. Wuyishanli
6. Chi-pin
7. P'u-t'ao

رودخانه گویی زندگی می‌کنند که با رود جیحون قابل تطبیق است (زیمال، ۱۳۸۰: ۳۴۵؛ بروسیوس، ۱۳۹۶: ۱۶۴)، اما در هان‌شو در ضمن داده‌هایی که از گزارش جان‌چیان داده می‌شود، اطلاعات مضاعفی مبنی بر فتح داکسیا (بلخ) به دست یوئه‌ژی‌ها آمده است که ظاهراً بیشتر تفوقی اسمی بر آن داشتند (زیمال، ۱۳۸۰: ۳۴۵). از کلام مؤلف شی‌جی می‌توان پنداشت که بلخ از شاهنشاهی اشکانی مستقل بوده است. شهر فاندو^۱ که پایتخت اشکانی دانسته شده، احتمالاً با نام پَرْتَوُ قابل تطبیق است (فن گوتشمید، ۱۳۵۶: ۱۱۲) که برخی آن را اشاره‌ای به شهر صدروزه^۲ (زللی و گاردینر، ۱۹۸۲: ۲۸۰) و عده‌ای دیگر اشاره به شهر پَرْتَوُنَسا^۳ یا همان شهر نسا در شمال پارت می‌دانند (پاشازانوس و یانگ، ۲۰۱۸: ۱۲۵). یان‌کای را نمی‌توان به درستی ریشه‌یابی کرد، اما احتمالاً اشاره به اقوام ساکن در سرزمین خوارزم و حوزه دریاچه آرال در این زمان باشد (فن گوتشمید، ۱۳۵۶: ۱۱۶؛ وانگ‌تائو، ۱۳۹۳: ۱۱۷). کانگ‌یو نیز به احتمال اشاره به اقوام کوچرویی دارد که در زمان گزارش جان‌چیان در حدود میانه سیردریا ساکن بودند (فن گوتشمید: ۱۳۵۶: ۱۱۶-۱۱۷؛ زیمال، ۱۳۸۰: ۳۴۵) یا به احتمال بیشتر باید همچون برخی از محققان آن را نه نام یک قوم که نام یک سرزمین دانست و با سعد یا سمرقند تطبیق داد (وانگ‌تائو، ۱۳۹۳: ۱۲۱؛ زلی و گاردینر، ۱۹۸۲: ۲۷۳). نکته مهم اینکه در شی‌جی حد شمالی شاهنشاهی اشکانی با یان‌کای هم‌مرز است، ولی در هان‌شو اشکانیان در شمال با کانگ‌یو هم‌مرزند. این امر احتمالاً به معنای فتح خوارزم (یان‌کای) به دست قوم/ سرزمین کانگ‌یو است (فن گوتشمید، ۱۳۵۶: ۱۱۷)، درحالی که در هان‌شو با اینکه تابعان کانگ‌یو نام برده می‌شوند، خبری از تابعیت یان‌کای از کانگ‌یو نیست (وایلی، ۱۸۸۱: ۴۴)؛ بنابراین می‌توان برخلاف این عقیده، پنداشت که در این زمان خوارزم را اشکانیان فتح کرده بودند و به همین دلیل دیگر آنان سرحدات شمالی شاهنشاهی اشکانی را تشکیل نمی‌دهند. گزارشی متأخر از منابع ارمنی می‌تواند مؤید این ادعا باشد. پلوتوس بوزند^۴ از قومی به نام «مسکوت‌ها» [ماساگت‌ها؟] سخن می‌گوید که شاهشان تباری اشکانی داشت و در سده چهارم و در زمان حکومت خسرو دوم ارمنی (۳۳۸-۳۳۰ میلادی) از سرزمین‌های شمال رود کورس (و احتمالاً شمال قفقاز) به قلمرو ارمنستان فشار می‌آورد (پلوتوس بوزند، ۱۳۹۷: ۵۱-۵۶). با تکیه بر گزارش جان‌چیان، قوم یان‌کای را با آلان‌ها تطبیق می‌دهند که به غرب دریای کاسپی نیز نفوذ کرده بودند (ر.ک. فن گوتشمید، ۱۳۵۶: ۱۱۸-۱۱۹؛ زلی و گاردینر، ۱۹۸۲: ۲۷۳). به گفته آمیانوس، در زمان خسرو یادشده، ماساگت‌ها به نام آلان مشهور بودند (آمیانوس مارکلینوس: ۱۶/۲۳). دست‌کم از پایان دوران هخامنشی به بعد (و به عقیده نگارندگان، حتی پیش از این دوران)، سرزمین خوارزم با مکان ماساگت‌ها مجاورت داشت

1. Fandou
2. Hecatompylos
3. Parthauinisa
4. P'awstos Buzand

(فرای، ۱۳۴۴: ۷۳) و احتمالاً یان کای در سده دوم پیش از میلاد شامل کل اتحادیه قبایل ماساگت‌ها و اقوام مجاور و همچنین سرزمین خوارزم می‌شد. می‌توان پنداشت که اشکانیان در زمانی پس از گزارش نخست جان چیان، بر ماساگت‌ها/آلان‌ها در حدود خوارزم تا دریای کاسپی چیره شدند و آنان را به تابعیت خود درآوردند. شواهد متأخر دیگری نیز در تأیید این ادعا وجود دارد؛ در نیمه نخست سده یک میلادی، زمانی که ونون، شاه مخلوع اشکانی، در تلاش برای بازپس‌گیری حکومت از اردوان دوم (۱۲/۱۱-۳۸ میلادی) بود، تلاش کرد تا با گریز از چنگ رومیان، از راه ارمنستان و اران (آلبانیا) به سرزمین سکاییه^۱ پناه ببرد که به گفته تاکیتوس (۱۹۰۴: ۶۸/۲) شاه آنجا «خویشاوند» او بود. خواه منظور از سکاییه سرزمین‌های شمال قفقاز باشد یا سرزمین‌های شرق دریای کاسپی، این گزارش می‌تواند تأیید کهن‌تری بر گزارش پلوتوس باشد. در منابع متأخری همچون قطعه مشهور به *رمان اردوان* و *اردشیر* و نوشته‌های آگاتانگوس نیز می‌توان ادعای حاکمیت اشکانیان بر ماساگت‌ها را بازیافت (تراینا، ۱۴۰۰: ۱۹۲-۱۹۳؛ پیرنیا، ۱۳۹۱: ۲۱۳۶). از گزارش هان‌شو پیداست که امپراتوری هان برای تحکیم حضور خود در غرب در حدود سال ۵۹ پیش از میلاد، منصبی با عنوان ژنرال نایب‌الحکومه مناطق غربی ایجاد کرد (هان‌شو: ۹۶A؛ همچنین ر.ک. پُش، ۱۳۹۲: ۵۴۴-۵۴۵) و مدتی بعد (۴۴ پیش از میلاد) چینیان در آسیای مرکزی با قوم/سرزمین کانگ‌یو درگیر شدند (فن‌گوتشمید، ۱۳۵۶: ۱۱۷)؛ بنابراین احتمالاً می‌توان منشأ گزارش منابع چینی مبنی بر مجاورت قلمرو اشکانی با کانگ‌یو را که در هان‌شو آمده، مربوط به این دوره دانست. در نتیجه فتح سرزمین‌های جدید به دست اشکانیان باید در دورانی میان سال ۱۱۵ پیش از میلاد (سفر دوم جان چیان) و نیمه سده یکم پیش از میلاد به وقوع پیوسته باشد. به عقیده نگارندگان، زمان فتوحات اشکانیان در این حدود را باید مرتبط با فتوحات شمال شرقی مهرداد دوم دانست. مؤید این ادعا، گزارش یوستین (۴۱: ۶) مبنی بر فتوحات گسترده مهرداد دوم و جنگ‌های موفقیت‌آمیز چندمرحله‌ای او با سکاهاست (همچنین ر.ک. کالج، ۱۳۸۸: ۴۶).

از گزارش‌های منابع چینی می‌توان درباره موقعیت اشکانیان در بلخ نیز بهره برد. بنا بر گزارش یوستین (۴۱: ۶)، مهرداد یکم در پی جنگ‌های موفقیت‌آمیز در شرق و غرب، با فتح بلخ، قلمرو خود را از کوهستان قفقاز (منظور هندوکوش است) تا رود فرات گسترش داد (همچنین ر.ک. فن‌گوتشمید، ۱۳۵۶: ۹۳)، درحالی‌که بنا بر گزارش دیودور سیسیلی (۳۳: ۱۸) و اوروسیوس، فتوحات مهرداد به رود هیداسپ در پنجاب رسید (همچنین ر.ک. اسمیت، ۱۹۰۶: ۵۶؛ فن‌گوتشمید، ۱۳۵۶: ۹۳-۹۴؛ گرگوراتی، ۲۰۱۶: ۲-۱). اما این فتوحات دوام نداشت و در پایان حکومت فرهاد دوم، جانشین مهرداد، سکاها به شمال شرق قلمرو اشکانی حمله کردند و پس از کشته شدن فرهاد در نبرد با آنها، جانشینش اردوان یکم نیز در جنگ با تخاری‌ها، ظاهراً در سرزمین بلخ، کشته شد (۱۲۴ پیش از میلاد) (اورتوم، ۲۰۱۹: ۲۳۸-۲۳۹). تخاری‌ها را با

یوئه‌ژی‌ها یکسان می‌دانند (فن گوتشمید، ۱۳۵۶: ۱۲۰؛ آلتهایم، ۱۳۹۸: ۳۷۶). چنان‌که گفته شد، براساس گزارش جان‌چیان و لذا پیش از سال ۱۱۵ پیش از میلاد، یوئه‌ژی‌ها بلخ را تصرف کردند و حاکمیت اسمی بر این سرزمین داشتند و ظاهراً در همین زمان کابل را نیز فتح کردند (برای تاریخ و فتوحات یوئه‌ژی‌ها در هان‌شو ر.ک. وایلی، ۱۸۸۱: ۴۰-۴۱). می‌توان این دو واقعه را یکی شمرد؛ یعنی یوئه‌ژی‌ها بلخ را که از متصرفات مهرداد یکم بود فتح کرده و سپس اردوان شاه اشکانی را که برای بازپس‌گیری این سرزمین رفته بود مغلوب و مقتول کردند. جانشین اردوان، یعنی مهرداد دوم، مجبور به اتخاذ تصمیمی فوری در مقابل مهاجمین نیرومند بود. بازسازی وقایع با تکیه بر اسناد مختلف و الواح میان‌رودانی مربوط به حکومت مهرداد، دو مرحله عمده جنگ در شرق را نشان می‌دهد. در مرحله نخست که در اوایل حکومت مهرداد صورت گرفت، او مهاجمان را شکست داد و چنان‌که گفته شد، از روی شواهد سکه‌شناسی می‌توان اثبات کرد که مرو دوباره فتح شد (۱۲۴ پیش از میلاد) (اورتوم، ۲۰۱۹: ۴۶). باین‌حال برخلاف پندار عمومی، این تنها نبرد مهرداد با دشمنان شمال‌شرقی نبود و پس از عملیات نظامی اولیه، دستبردها به شمال‌شرق قلمرو اشکانی ادامه یافت. زمانی که جان‌چیان مأموریت خود را در غرب به پایان برد (۱۱۵ پیش از میلاد)، هنوز بلخ در فرمان یوئه‌ژی / تخارها بود. بنابر یک لوح بابلی که از مهاجمان با نام کهن و مرسوم گوتی نام می‌برد، دشمنان مجدداً در حدود ۱۱۹ پیش از میلاد به مرزهای شمال‌شرقی شاهنشاهی اشکانی می‌تازند و این موضوع، حضور دوباره مهرداد در این حدود را می‌طلبید (همان: ۴۸-۴۹). جنگ‌های مهرداد در این حدود که اطلاع‌چندانی از آن‌ها نداریم، طولانی و احتمالاً سخت بود، ولی سرانجام مهرداد موفق شد در حدود ۱۱۰ پیش از میلاد، یعنی پس از بازگشت جان‌چیان، تمام سرزمین بلخ در جنوب جیحون را فتح کند و یوئه‌ژی‌ها را به سغد براند (همان: ۴۹-۵۰). از حدود سال هفتاد پیش از میلاد به بعد نیز داده‌های سکه‌شناسی، حکومت اشکانیان را بر حوزه کابل تأیید می‌کند، ولی با توجه به داده‌های مکتوب غربی و مقایسه آن‌ها با اطلاعات هان‌شو می‌توان پنداشت که فتح کابل به دست اشکانیان در دو مرحله صورت گرفته‌است؛ در گام نخست، مهرداد یکم این سرزمین را فتح کرد. سپس یوئه‌ژی‌ها در دوران آشوب پس از درگذشت مهرداد آن را گرفتند و پس از آن بود که مهرداد دوم از نو تسلط اشکانیان را بر این سرزمین برقرار کرد و داده‌های سکه‌شناسی نیز تسلط اشکانیان را - دست‌کم تا دوران حکومت فرهاد چهارم - بر این سرزمین تأیید می‌کنند (ر.ک. مک‌داول، ۱۹۳۹: ۷۹۱). در هر صورت، این مرحله از فتوحات مهرداد در گزارش جان‌چیان بازتاب ندارد، اما چنان‌که خواهیم دید، در زمان فتوحات کوشانیان، کابل جزئی از قلمرو اشکانی بود.

از شواهد دیگری نیز می‌توان برای تعیین مرز شمال‌شرقی شاهنشاهی اشکانی کمک گرفت. بر مبنای گزارش منابع چینی در حدود سال ۳۶ پیش از میلاد، هنگام جنگ چینیان با یکی از حاکمان آسیای مرکزی، در ارتش او سربازانی وجود داشتند که به سبک رومیان تجهیز شده بودند و بنابراین پژوهشگران آنان را با سربازان رومی که چند سال قبل از آن در جنگ حران به اسارت اشکانیان درآمده و به مرو کوچانده شده

بودند، یکسان می‌دانند (گرگوراتی، ۱۳۹۵: ۶۹؛ دابس، ۱۹۴۰: ۶۶-۶۵). با توجه به اینکه جنگ در حدود حوزه رود تالاس در قرقیزستان کنونی به وقوع پیوست، باید مرزهای اشکانی نزدیک این حدود بوده باشد تا سربازان را به‌عنوان کمک نظامی یا نیروی مزدور در اختیار فرماندار مذکور قرار داده باشند؛ بنابراین باید پنداشت که اشکانیان در این زمان دست‌کم بر سرزمین‌های جنوب رود جیحون حکومت می‌کردند.

در شی‌جی (۱۲۳) سخنی از سرزمین وویی‌شان‌لی به میان نمی‌آید و فقط از سرزمین شندو^۱ یاد می‌شود که احتمالاً اشاره به رود سند دارد (کالس، ۱۹۸۰: ۱۵۹)، ولی هان‌شو در حالی از وویی‌شان‌لی نام برده که موقعیت آن را نسبت به اشکانیان مشخص نکرده‌است (هان‌شو: ۹۶A). در هر صورت، منابع این سرزمین را در مجاورت سرزمین چی‌پین^۲ قرار می‌دهند که با گنداره یا کشمیر قابل تطبیق است (لزلی و گاردینر، ۱۹۸۲: ۲۸۹-۲۸۸؛ مک‌داول، ۱۹۳۹: ۷۹۶-۷۹۹؛ پاشازانوس و یانگ، ۲۰۱۸: ۱۲۷-۱۲۸)؛ لزلی و گاردینر پس از بررسی اشارات مختلف در منابع چینی به سرزمین وویی‌شان‌لی، نام این سرزمین را تلفظ چینی واژه اسکندریه می‌دانند و آن را همان شهر اسکندریه^۳ رنج و برابر با قلمرو سکستان تا رنج قرار می‌دهند (لزلی و گاردینر، ۱۹۸۲: ۲۸۹-۲۸۸). از اواخر سده دوم پیش از میلاد، به ترتیب دولت‌هایی که امروزه به آن‌ها نام‌های هندوسکایی و هندوپارتی داده‌اند، در جنوب‌شرق قلمرو اشکانی به مرکزیت سکستان و قندهار تشکیل شدند و قلمرو خود را به سند و پنجاب بسط دادند. اطلاعات سکه‌شناختی و کتیبه‌های پراکنده برای بازسازی دوران حکومت آنان کافی نیست و وجه تمایز این دولت‌ها را نمی‌توان به خوبی مشخص ساخت، ولی ظاهراً هر دو دولت بستگی زیادی با دودمان اشکانی داشتند (بیوار، ۱۳۸۰: الف: ۱۴۲؛ دیاکونوف، ۱۳۵۱: ۵۶). در منابع هندی نیز سکاها و پهلواها (پارتیان) در فتح هند با هم همدست هستند (فرای، ۱۳۴۴: ۲۹۸-۲۹۹)؛ بنابراین تشتت زیادی در نظرات پژوهشگران راه یافته‌است. اسمیت (۱۹۰۶: ۷۲-۴۹) بیش از یک سده پیش نظر داد که نمی‌توان تفاوتی بین هندوسکایی‌ها و هندوپارتی‌ها قائل شد و هر دو آن‌ها را باید یک دولت واحد به‌شمار آورد که با حمایت اشکانیان در جنوب‌شرق این کشور تأسیس شد. برخی نیز معتقدند پس از حمله سکاها که خود بر اثر فشار یوئه‌ژی‌ها به سمت مرزهای اشکانی رانده شده بودند، مهرداد دوم با همکاری دودمان سورن آن‌ها را مغلوب ساخت و به سمت رنج و هند راند و بنابراین پادشاهی موسوم به هندوسکایی در این حدود تشکیل شد (بیوار، ۱۳۹۳: ۳۹؛ همچنین ر.ک. سینیر، ۲۰۰۵) و سپس شاخه‌ای از دودمان اشکانی در سده نخست میلادی، سکاها را به عقب راند و تا پنجاب را متصرف شد (بیوار، ۱۳۸۰: ب: ۲۹۲). اگر گزارش آپولونیوس تیانایی^۳ پذیرفته شود، در نیمه نخست سده یکم میلادی، قلمرو اشکانی تا رود سند امتداد داشت و در شرق سند،

1. Shendu
2. Jibin
3. Apollonius of Tyana

دولت اشکانی دیگری وجود داشت که زیر فرمانروایی اشکانیان ایران نبود (بیوار، ۱۳۹۳: ۳۶). با این حال از داده‌های سکه‌شناسی و کتیبه‌ای به خط خروشتی می‌توان دریافت که از سال بیستم میلادی، شاهی اشکانی تبار به نام گندوفر بر تخت حکومت دولت سگستان تکیه زد که برای مدتی احتمالاً بر کوچوله کدفیژ؛ بنیان‌گذار دودمان کوشانی، نیز مسلط شده و او را تابع خود کرده‌بود (بیوار، ۱۳۹۳: ۴۱-۴۲). داده‌های سکه‌شناسی نشان می‌دهند او از سگستان تا پنجاب بر قلمرو بسیار پهناوری حکم می‌راند (همان: ۴۲-۴۳). برخی پژوهشگران با استناد به حدود قلمرو و لقب شاهنشاه که با حکم او و جانشینانش بر سکه‌ها نقش بسته، وی را شاه مستقلی از دولت مرکزی اشکانی قلمداد می‌کنند (هرتسفلد، ۱۳۵۴: ۱۱۵-۱۱۶؛ دیاکونوف، ۱۳۵۱: ۱۰۰؛ فرای، ۱۳۴۴: ۲۹۸-۲۹۹؛ شیپمان، ۱۳۹۸: ۵۸). هرتسفلد و فرای زمان استقلال این دودمان را در زمان برتخت‌نشینی اردوان دوم اشکانی می‌دانند (فرای، ۱۳۴۴: ۲۹۸-۲۹۹). با وجود این باید در این تصور تردید داشت. چنان‌که درباره وضعیت دولت‌های دست‌نشانده گفته شد، اشکانیان به تابعان خود بنا بر شرایط موجود حق استقلال زیادی می‌دادند که لزوماً به معنی ضعف سیاسی آنان نبود. خاندان سورن که در طول دوران اشکانی، احتمالاً از زمان فتوحات مهرداد دوم در سیستان حاکم بود، همواره تابعیت خود را از دولت مرکزی حفظ کرد و اگر گزارش مورخان رومی پذیرفته شود، این خاندان از نظر اهمیت در کشور پس از دودمان اشکانی بودند و حق گذاشتن تاج بر سر فرمانروا را داشتند (پلوتارک، ۱۳۴۶: ۷۲؛ پیرنیا، ۱۳۹۱: ۲۱۶۳-۲۱۶۴). ایسیدوروس خاراکسی (۱۳۸۷: ۲۹) در آغاز سده یکم میلادی، مرز جنوب‌شرقی شاهنشاهی اشکانی را تا آراخوزیا یا رخج دوره‌های بعد امتداد می‌دهد؛ بنابراین آن را شامل قلمرو دودمان هندوپارتی می‌داند. برخی این گزارش را مربوط به دوره مهرداد دوم می‌دانند (شیپمان، ۱۳۹۸: ۱۲)، اما از آنجاکه خود ایسیدوروس زاده قلمرو اشکانی بود، باید اطلاعات او را دست‌کم در کلیات معتبر شمرد. بنا به گزارش تاکیتوس، در سال ۳۶ میلادی و در زمان حکومت اردوان دوم، آبدگاس نامی به همراه عضوی از خاندان سورن در درگیری‌های مربوط به نشانیدن شاهان بر تخت حکومت اشکانی دخالت داشت (بیوار، ۱۳۹۳: ۴۵؛ تاکیتوس، ۱۹۰۴: ۴۳-۴۲/۶)؛ چه این آبدگاس چنان‌که بیوار (۱۳۹۳: ۴۵-۴۶) احتمال می‌دهد، شاهی هندوپارتی باشد که پس از گندوفر به قدرت رسید و چه نباشد، از گزارش تاکیتوس پیداست که در این زمان دودمان سورن هنوز جزئی از شاهنشاهی اشکانی بود و در مناسبات سیاسی آن ایفای نقش می‌کرد. این موضوع در *رمان/اردوان* و *اردشیر* نیز تأیید می‌شود که یک شاخه از خاندان اشکانی را که مستقل از دولت مرکزی ایران نبود، حاکم بر هندوستان می‌داند (تراین، ۱۴۰۰: ۱۹۲-۱۹۳). منظور از این شاخه باید همان خاندان هندوپارتی باشد که گاهی قلمروشان را به سند و پنجاب بسط می‌دادند.

به دلیل درگیری‌های مداوم هندوسکاییان و هندوپارتیان در شرق، تعیین حدود آنان دشوار است و فقط می‌توان به داده‌های سکه‌شناسی و حدس و گمان بسنده کرد که ممکن است با واقعیت منطبق نباشند (بوپنارچی، ۱۳۹۲، ۶۱۸-۶۰۸؛ کریب، ۱۹۸۵: ۲۹۴-۲۹۸). باین‌حال از روی برخی شواهد می‌توان پنداشت که این شاهان ادعای حکومت بر قلمرو ثابتی را داشتند که حد غربی آن شامل سرزمین سگستان می‌شد و در شرق به سند و پنجاب می‌رسید (شهبازی، ۱۹۹۳: ۱۵۸). در منابع چینی، قلمرو ووئی‌شان‌لی در مجاورت سرزمین چی‌پین قرار داده شده که با کشمیر یا گنداره (دره کابل تا رود سند) تطبیق پذیر است؛ بنابراین دولت ووئی‌شان‌لی قلمرو خود را از سگستان تا حدود سند تعریف کرده بود. شماری از پژوهشگران خاندان سورن حاکم بر پادشاهی سگستان را با خاندان سام در تاریخ ملی ایران مرتبط می‌دانند (بیوار، ۱۳۸۰ الف: ۱۵۲؛ شهبازی، ۱۹۹۳: ۱۵۵؛ بیوار، ۲۰۰۲: ۱۶۳). در *گرشاسب‌نامه* قلمرو خاندان سام از سگستان و بلخ تا کابلستان و سند تعیین شده است (اسدی طوسی، ۱۳۵۴: ۴۲۵-۴۲۶).

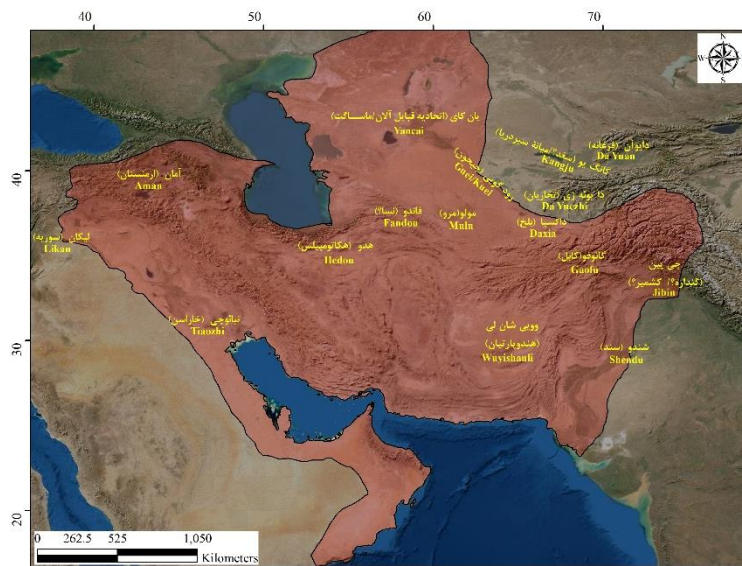
در توصیف سرحدات غربی شاهنشاهی اشکانی، سرشت منابع چینی متفاوت است و به دلیل عدم رودرویی مستقیم، مجبور بودند اطلاعاتشان را از منابع محلی به دست بیاورند که چنان‌که نشان داده خواهد شد، به شدت تحت تأثیر تبلیغات اشکانیان بود. درباره جایگاه سرزمین تیاوچی گمانه‌زنی‌هایی صورت گرفته است (فن گوتشمید، ۱۳۵۶: ۱۱۴؛ فیتزجرالد، ۱۳۸۴: ۲۲۰)، اما جدیداً شماری از پژوهشگران آن را با امپراتوری سلوکی تطبیق می‌دهند و این واژه را تغییر یافته [آن]آپوخیه/انطاکیه می‌دانند که در تاریخ‌نگاری چینیان، با قلمرو سابق سلوکی در این حدود یعنی میان رودان یا سرزمین خاراسن در جنوب آن تطبیق داده شد (لزلی و گاردینز، ۱۹۸۲: ۲۹۰-۲۹۲؛ وانگ‌تائو، ۱۳۹۳: ۱۱۶؛ گرگوراتی، ۱۳۹۵: ۷۳). در شی‌جی (۱۲۳) آمده است که تیاوچی در این زمان تابع اشکانیان بود ولی فرمانروایان دست‌نشانده‌ای داشت که بر آن حکومت می‌کردند (وانگ‌تائو، ۱۳۹۳: ۱۱۶). در این زمان، اشکانیان بخش‌های وسیعی از قلمرو سلوکیان بر میان‌رودان را فتح کرده ولی بر خود سلوکیان حاکم نشده بودند. بعدها شهربانان مهرداد در میان‌رودان در کار سلوکیان در سوریه مداخله و دیمتریوس، از مدعیان شاهی دودمان سلوکی، را اسیر کردند و به ایران فرستادند، ولی از نظر زمانی این کار در حدود سال ۸۹ پیش از میلاد اتفاق افتاده است، یعنی مدت‌ها پس از سفر جان‌چیان یا پایان نگارش شی‌جی (ر.ک. اورتوم، ۲۰۱۹: ۲۶۳-۲۷۶). بنابراین مدت‌ها پیش از آنکه اشکانیان حق ادعای سیادت را بر سلوکیان داشته باشند، به چینیان القا کرده بودند که بر کل قلمرو سلوکی حکمرانی می‌کنند. این تصویرسازی از غرب در نگاه چینیان انحصار روابط چینیان با سرزمین‌های غربی را برای اشکانیان به ارمغان می‌آورد و هیبت شاهنشاهی اشکانی را نزد چینیان افزون می‌کرد؛ این واقعیت را که در شی‌جی (۱۲۳) و *هان شو* (۹۶۸)، شاهنشاهی اشکانی بزرگ‌ترین کشور^۱ نامیده شده است، باید معلول همین سیاست دانست.

در سرحدات غربی، اشکانیان فرصت بیشتری داشتند تا قدرت خود را به رخ چینیان بکشند؛ زیرا چینیان را به روم راهی نبود و آنان مجبور بودند از منابع اشکانی درباره سرزمین‌های غربی این شاهنشاهی اطلاعات کسب کنند. در شی‌جی و هان‌شو نامی از امپراتوری روم نیست (زلزلی و گارینر، ۱۹۸۲: ۲۶۴-۲۶۵؛ همان، ۱۹۹۵: ۶۲)، در حالی که این دو اثر از نظر زمانی، سده دوم پیش از میلاد تا اواخر سده نخست میلادی را پوشش می‌دهند و نبود نام روم، نشان از ناآگاهی یا کم‌آگاهی چینیان از روم دارد. این در صورتی است که معمولاً سفیران چینی در گزارش‌های خود سرزمین‌ها را به دقت توصیف و شرحی از وسعت و قدرت و ویژگی‌های خاص آن‌ها را می‌داده‌اند (ر.ک. گزارش‌های شی‌جی و هان‌شو درباره شاهنشاهی اشکانی و سرزمین‌های شرق آن و همچنین باکلی اربری، ۱۹۹۷: ۶۹؛ فن‌گوتشمید، ۱۳۵۶: ۱۱۵-۱۲۲؛ فیتزجرالد، ۱۳۸۴: ۲۰۲-۲۰۰؛ پُش، ۱۳۹۲: ۵۴۹-۵۴۷). بعدها هوهان‌شو (۸۸، ۲۹۱۹) دلیل این ناآگاهی را این‌گونه توضیح می‌دهد: «حاکم این کشور [روم] همیشه خواستار برقراری روابط سیاسی با هان بود اما دولت اشکانی خواستار ادامه تجارت ابریشم هان با رومیان بودند، بنابراین موانعی را برای آن‌ها پدید آوردند و آن‌ها هیچ‌گاه نتوانستند ارتباط مستقیمی داشته باشند». در وی‌لو (۳۰) نیز مشابه همین دلیل بیان شده است. در هان‌شو (۹۶۸) که نگارشش در اواخر سده یکم میلادی به پایان رسید، سفر دریایی از تیان‌چی به غرب پس از گذر صد روز به جایی می‌رسد که خورشید غروب می‌کند و این خود نشانگر ناآگاهی چینیان از روم تا اواخر سده نخست میلادی است. در همین اثر، هنوز شاهنشاهی اشکانی از جانب چینیان به‌عنوان بزرگ‌ترین کشور معرفی می‌شود (همان: ۲۸۱). در هان‌شو (۹۶۸) به آوردن کالا و شعبده‌باز از سرزمین لی‌کان به چین به‌دست اشکانیان اشاره شده است. لی‌کان را با امپراتوری سلوکی تطبیق می‌دهند که در این زمان قلمروش بین ایران و روم تقسیم شده بود و بنابراین براساس منطق حاکم بر نوشته‌های چینی، لی‌کان برابر با یکی از ایالت‌های رومی است که سابقاً در قلمرو سلوکی قرار داشت.^۱ طبق داده‌های جغرافیایی و تاریخی، این سرزمین با سوریه تطبیق‌پذیر است (زلزلی و گارینر، ۱۹۸۲: ۲۷۰ و ۲۷۴)؛ در نتیجه اشکانیان محصولات رومی را به چین منتقل می‌کردند بدون اینکه از امپراتوری روم چیزی به چینیان بگویند. شاید پنداشته شود که نویسندگان هان‌شو این بخش را از شی‌جی گرفته‌اند، اما با توجه به ویژگی‌های خاص هان‌شو که داده‌های جدیدی درباره شاهنشاهی اشکانی درباره شی‌جی به دست می‌دهد و گاه از منابع دیگری نیز بهره برده است (همان: ۲۷۰)، باید آن را مستقل پنداشت که حاصل اطلاعات چینیان از غرب تا اواخر سده یکم میلادی است. ادعای اشکانیان بر تمام

۱. در گذشته احتمال می‌دادند که لی‌کان با روم تطبیق‌پذیر است (بودبرگ، ۱۹۳۶: ۲۸۹-۲۹۰).

۲. برای نمونه، در هان‌شو (۹۶۸) از تصویر شاه و شهبانو روی سکه‌های اشکانی سخن می‌رود که احتمالاً منظور سکه‌های فرهاد پنجم یا شاهان الیمایی تابع اشکانیان در سده ۱ قبل از میلاد است (زلزلی و گارینر، ۱۹۸۲: ۸۰)، ولی در شی‌جی این اطلاعات نیامده است.

قلمرو آسیایی روم را که موجب پنهان کردن آن از دید چینیان شده بود از منابع دیگری نیز می‌توان دریافت. مهرداد دوم موفق شده بود ارمنستان را فتح کند (بیوار، ۱۳۸۰ الف: ۱۴۲) که به گفته یوستین (۴۲: ۲ و ۹) از سرحد کاپادوکیه تا دریای کاسپی ممتد بود (و بنابراین ارزن را نیز شامل می‌شد) و با مهرداد ششم، شاه جاه‌طلب پنتی، پیمان اتحاد ببندد (بروسیوس، ۱۳۹۶: ۱۲۶) که دست‌کم از نگاه شاه اشکانی به معنی شناخت قدرت اشکانیان توسط شاه پنت بود. از طرفی، پس از نخستین دیدار دیپلماتیک اشکانیان با رومیان (سال ۹۶ پیش از میلاد)، مهرداد سفیر خود را اعدام کرد که از مهم‌ترین دلایل آن به رسمیت شناختن آریوبرزن، شاه کاپادوکیه، در جایگاه یکی از طرف‌های مذاکره بود؛ زیرا اشکانیان خود را فرمانروای برحق این حدود می‌دانستند و از دید آن‌ها این شاهان کوچک حکم غاصبان قدرت را داشتند (کریسکیویچ، ۲۰۱۷: ۶۱) و این خود نشانگر تلاش اشکانیان برای تصویرسازی خود در مقام «شاه شاهان» است. با توجه به اینکه سواحل جنوب دریای پارس و مکران تا حدود حضرموت در شبه‌جزیره عربستان نیز در سده یکم میلادی قدرت اشکانیان را می‌شناختند (آذرنوش، ۱۳۸۸: ۴۰-۴۱) و احتمالاً پیش از آن نیز چنین بود، می‌توان قلمرو پهناور اشکانی در این زمان را تصور کرد که با گستره‌ای در حدود پنج میلیون کیلومتر مربع و سلطه بر هزاران کیلومتر راه ارتباطی مهم، شانه به شانه امپراتوری‌های پهناور هان و روم به حیات خود ادامه می‌داد.



نقشه شماره ۱. قلمرو شاهنشاهی اشکانی در منابع چینی پیش از برآمدن کوشانیان^۱

۱. نویسندگان مقاله از آقای دکتر سهام میرزایی برای ترسیم نقشه‌ها در محیط GIS قدردانی می‌کنند.

۴. قلمرو اشکانیان در منابع چینی پس از برآمدن کوشانیان

برآمدن کوشانیان را باید نقطه عطفی در دوران طولانی حکومت اشکانیان دانست. کوشانیان در زمان نسبتاً کوتاهی گستره وسیعی از آسیای مرکزی و هند را فتح کردند و در غرب برای اشکانیان مایه زحمت شدند و در شرق منافع چین را به خطر انداختند و در برهه‌ای از زمان سرزمین‌های حوزه رود تاریم را از امپراتوری هان جدا کردند (امریک، ۱۳۸۰: ۴۰۸)؛ بنابراین هرچند منابعی از خود اشکانیان در این مورد در دست نیست، باید برای آن‌ها اهمیت زیادی داشته باشد. برای چینیان نیز این رخداد اهمیت بسیاری داشت و به همین دلیل وقایع برآمدن کوشانیان را ثبت کردند. بررسی ظهور کوشانیان در منابع چینی، هدف این پژوهش نیست، ولی پس از این ظهور، تغییراتی در سرحدات شرقی اشکانیان به وقوع پیوست که به احتمال زیاد فقط با استفاده از منابع چینی می‌توان به آن‌ها پی برد. در هوهان‌شو (۸۸، ۲۹۱۸۴، ۲۹۲۱) درباره قلمرو اشکانیان آمده است:

«پایتخت کشور آن‌شی هِدو^۱ است. فاصله آن‌شی از لویانگ^۲ ۲۵ هزار لی است. در شمال با کانگیو و در جنوب با وویی‌شان‌لی هم‌مرز است. این سرزمین هزاران لی مساحت دارد... این کشور سرسبزترین و ثروتمندترین سرزمین‌هاست... در مرز شرقی کشور شهر مولو^۳ واقع شده که لقب آن‌شی کوچک دارد و از لویانگ بیست‌هزار لی فاصله دارد... زمانی که گان‌یینگ به تیائوچی رسید، خود را در کنار دریای بزرگی یافت و قصد داشت از آن عبور کند، اما کشتی بانان مرز غربی آن‌شی به او گفتند این دریا بسیار بزرگ‌تر از آن است که بتوان از آن گذشت... و او بازگشت... از آن‌شی سه‌هزار و چهارصد لی به طرف غرب به سرزمین آمان^۴ می‌رسیم. از آمان سه‌هزار و ششصد لی به سمت غرب به سرزمین سی‌پین^۵ می‌رسیم. از این مکان اگر به سمت جنوب برویم و از یک روخانه عبور کنیم و دوباره به سمت غرب برویم، بعد از ۹۶۰ لی به سرزمین یولو^۶ می‌رسیم و این‌انتهای غربی مرز اشکانیان است. اگر سوار بر کشتی به سمت جنوب رویم به داکین^۷ [امپراتوری روم] می‌رسیم... اگر در آن‌شی از طریق راه زمینی در امتداد دریا به طرف شمال برویم، سپس از طریق کشتی به غرب برویم، به داکین می‌رسیم. در آنجا دریاچه‌ها و جواهرات و چیزهای عجیب و غریبی از غرب دریا وجود دارد... در مرکز دایوئه‌چی، شهر لان‌شی^۸ واقع است. این حکومت در سمت غرب، همسایه آن‌شی است و تا رسیدن به آنجا ۴۹ روز سفر لازم است... کیوجیوئوئه^۹ به آن‌شی حمله کرد و بر منطقه گائوفو^{۱۰} دست یافت... سرزمین گائوفو وابستگی منظمی به

1. Hedu
2. Luoyang
3. Mulu
4. Aman
5. Ssu-pin
6. Yulou
7. Daqin
8. Lanshi
9. Qiujiujue
10. Gaofu

سرزمینی خاص نداشت. هرگاه یکی از سه کشور تیان ژو و چی‌پین و آن‌شی قدرتمند بود، آنجا را در سیطره خود داشت، اما در صورت ضعف، آنجا را دوباره از دست می‌دادند. بعداً آنجا به آن‌شی تعلق داشت. وقتی که یوئه‌ژی بر آن‌شی پیروز شدند، از آن به بعد گائوفو را تصرف کردند».

در کنار اطلاعات فوق، گزارش پلینی از قلمرو اشکانی که در حدود ۷۷ میلادی (و در نتیجه پس از برآمدن کوشانیان) نگاشته شده (اسمیت، ۱۹۰۶: ۵۸)، در تعیین حدود قلمرو اشکانی قابل استفاده است. او شاهنشاهی اشکانی را به یازده پادشاهی یا استان بالادستی که از مرز ارمنستان و سواحل دریای کاسپی تا سرزمین‌های سکاها ممتد هستند، در کنار هفت پادشاهی یا استان پایین‌دستی تقسیم می‌کند (پلینی، ۲۹/۶)؛ استان‌های بالادستی عبارت‌اند از پارت، گرگان، مرو، هرات، خوارزم، ماد آتروپاتن، ارمنستان، هترا، آدیابنه، اوسروئنه، سیتاکنه^۱ و استان‌های پایین‌دستی عبارت‌اند از بابل، خاراسن، گرمیکان^۲، پارس، ایلام، کرمان، سکستان (بروسیوس، ۱۳۹۶: ۱۵۲-۱۵۳)؛ بنابراین همچنان پس از تشکیل پادشاهی کوشانی، خوارزم جزئی از قلمرو اشکانی باقی مانده بود که خود مؤید عقیده پیشین نگارندگان است.

همچون بخش پیش می‌توان با یافتن مکان جای‌نام‌های مندرج در متن مذکور، حدود قلمرو اشکانیان را تخمین زد. شهر هِدو که به‌جای فاندو پایتخت شاهنشاهی اشکانی دانسته می‌شود، احتمالاً شهر صدرروازه است و شهر مولو را می‌توان با مرو تطبیق داد (پاشازانوس و یانگ، ۲۰۱۸: ۱۲۶). همان‌گونه که در گزارش ایسیدوروس مشاهده می‌شود، در سال‌های نخستین میلادی و پیش از برآمدن کوشانیان، اشکانیان بلخ را از دست داده بودند و به گفته ایسیدوروس حد شرقی قلمرو آنان به هرات منتهی می‌شد. بنابر گزارش هوهان‌شو (۸۸، ۲۹۲۱)، شخصی به نام کیوجیوجوئه، بانی پادشاهی کوشانی بود که قلمرو گائوفو را از سلطه اشکانیان خارج ساخت. این سرزمین را با کابل یکسان می‌دانند (فن‌گوتشمید، ۱۳۵۶: ۱۱۶) و این شخص با کوچوله‌کدفیز (حدود ۳۰ تا ۶۰ میلادی)، بنیان‌گذار پادشاهی کوشانی، تطبیق پذیر است که کل محدوده هندوکوش و گنداره را از اشکانیان گرفته بود (همان: ۲۰۱؛ بوپتاراجی، ۱۳۹۲: ۶۱۹؛ بیوار، ۲۰۰۹). همان‌گونه که در منبع چینی آمده، کشاکش اشکانیان و همسایگان‌شان بر سر کابل، طولانی مدت بود، ولی با توجه به اینکه کوچوله‌کدفیز کابل را از دست اشکانیان (و نه وویی‌شان‌لی) خارج ساخت، می‌توان پنداشت که پیش‌تر این سرزمین زیر نظارت مستقیم شاهنشاهی اشکانی بوده‌است. هوهان‌شو (۸۸، ۲۹۲۱) این فتح کابل به دست یوئه‌ژی / کوشانیان را نخستین فتح آن می‌داند، اما پیش از این در هان‌شو (۹۶A) کابل یکی از پنج بخش اتحادیه یوئه‌ژی (پیش از فتوحات مهرداد دوم) دانسته شده‌است (همچنین ر.ک. وایلی، ۱۸۸۱: ۴۰-۴۱). ممکن است مؤلف هان‌شو اشتباه کرده باشد و بعد از درگذشت مهرداد یکم - چنان که پیش از این آمد - کوشانیان کابل را فتح نکرده باشند (فرای، ۱۳۴۴: ۲۷۹)؛

1. Sittacene
2. Garmikan

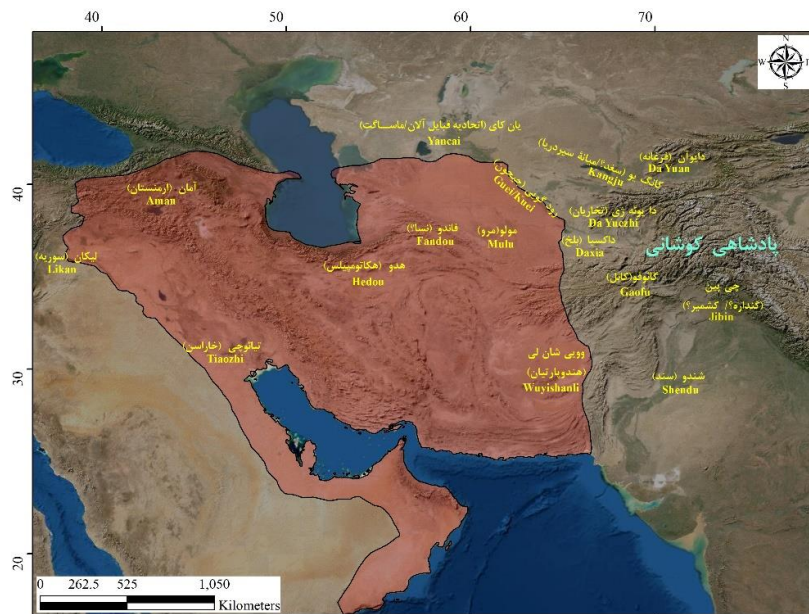
با این حال به دید نگارندگان، نمی‌توان منبع قدیمی‌تر را به نفع منبع متأخر کنار گذاشت. ظاهراً کوشانیان در زمان کوچوله‌کدیز برای مدت کوتاهی شهر مرو را نیز فتح کردند (بیوار، ۱۳۸۰ الف: ۱۸۱)، ولی چنان‌که از اطلاعات هوهان‌شو برمی‌آید، اشکانیان مجدداً آن را پس گرفتند. مرو سرحد شرقی شاهنشاهی اشکانی نامیده شده، اما از آنجا که هنوز شاهنشاهی اشکانی در شمال با کانگ‌یو (احتمالاً سغد) هم‌مرز است، می‌توان پنداشت که در اینجا تمام حوزه قلمرو مرو تا رود جیحون منظور نویسنده بوده است. ظهور کوشانیان باعث فتح سرزمین‌های وسیعی در آسیای مرکزی و هند به زبان اشکانیان و مخصوصاً هندوپارتیان شد. سرزمین وویی‌شان‌لی در گزارش هوهان‌شو در جنوب آن‌شی تعیین حدود شده است. با توجه به اینکه اشکانیان در این زمان مرو و هرات را تا حد رود جیحون در اختیار داشتند، پادشاهی سگستان که دیگر به خود سگستان و رخج محدود شده و قلمرو شرقی خود را از دست داده بود، در جنوب پارت و هرات قرار داشت. با این حال داده‌های سکه‌شناسی و گزارش پریپلوس^۱ نشان می‌دهند که شماری از شاهان کوچک اشکانی هنوز دست‌کم تا اواخر سده یکم میلادی دهانه رود سند را در اختیار داشتند، ولی مدام با هم در جنگ بودند (اسمیت، ۱۹۰۶: ۶۶؛ مک‌داول، ۱۹۳۹: ۷۹۶). بنابراین احتمالاً در مقطعی که نویسنده پریپلوس به این حدود سفر کرد، یا این شاهک‌ها مستقل از دولت هندوپارتی بودند یا در تلاش برای کسب استقلال. همچنین از فحوای گزارش می‌توان متوجه شد که وویی‌شان‌لی مستقل از شاهنشاهی اشکانی است، ولی بر این استقلال تأکید نمی‌شود. همان‌گونه که دیدیم، در گزارش پلینی، سگستان جزئی از قلمرو اشکانی است. ظاهراً دودمان سورن تا پایان شاهنشاهی اشکانی جزئی از قلمرو اشکانی قلمداد می‌شد و زمانی که اردشیر قیام کرد، داوطلبانه به همراه دودمان اسپهبد به اردشیر پیوستند (لوکونین، ۱۳۵۰: ۵۸). داده‌های سکه‌شناسی نیز نشانگر امتداد دولت هندوپارتی تا دوران ساسانی است (بیوار، ۱۳۹۳: ۴۷-۴۸)؛ بنابراین استقلال داخلی دولت هندوپارتی در این زمان منافاتی با تابعیت آنان از اشکانیان ندارد.

درخصوص مرزهای غربی همچنان سیاست اشکانیان مبنی بر معرفی خود به‌عنوان یگانه ابرقدرت برقرار بود. در سال ۱۶۶ میلادی برای نخستین‌بار هیئت تجاری/سیاسی از جانب رومیان به چین رفت و چینیان موفق شدند اطلاعات مستقیمی از روم به دست آورند (هرث، ۱۸۸۵: ۴۰-۴۳)، اما همان‌طور که از هوهان‌شو نقل شد، هنوز سرزمین روم [دا چین] در غرب دریا توصیف می‌شود و بنابراین اشکانیان در نگاه چینیان توصیف قلمرو پهناور رومیان در آسیا را مسکوت گذاشتند و دست چینیان را از برقراری ارتباط با روم کوتاه کردند. در هوهان‌شو (۸۸، ۲۹۱۸f) نیز سرزمین اشکانی ثروتمندترین کشور^۲ نامیده شده است (همچنین زلی و گارینر، ۱۹۸۲: ۲۸۳). چنان‌که از مندرجات هوهان‌شو برمی‌آید، بخش مربوط به مرز غربی شاهنشاهی اشکانی از

۱. Periplus؛ سفرنامه دریانوردی گمنام از نیمه دوم سده یکم میلادی

2. das reichste Land

گزارش سفر گان‌بینگ گرفته شده بود. سرزمین آمان نیز در این گزارش جایگاه مهمی دارد. بعضی پژوهشگران آن را با قید احتیاط با همدان تطبیق داده‌اند (همان)، اما به عقیده شماری دیگر، این سرزمین را می‌توان با ارمنستان تطبیق داد. نام آمان در شی‌جی و هان‌شو نیامده است و برای نخستین بار در هوهان‌شو (۸۸) و وی‌لو (۳۰) پدیدار می‌شود. در وی‌لو آمان سرزمینی کوهستانی در حدود شمالی سرزمین‌های کی‌لان و سی‌فو توصیف شده است که از شرق به غرب امتداد می‌یابد و در نتیجه باید منظور از این کوهستان، قفقاز باشد؛ بنابراین آمان با ارمنستان تطبیق پذیر است که ریشه‌یابی زبان‌شناسی هم آن را تأیید می‌کند (کاوتز و بینگ‌ژنگ، ۲۰۰۸: ۱۸۰-۱۸۳). در نتیجه اشکانیان در پایان سده نخست میلادی، ارمنستان را جزئی از خاک خود قلمداد می‌کردند و به دعوی رومیان - که حتی پس از پیروزی بلاش یکم بر روم با انتصاب اسمی شاهان اشکانی بر ارمنستان خود را حاکم بر این سرزمین می‌دانستند - وقعی نمی‌نهادند (نقشه شماره ۲). حتی در زمان گان‌بینگ که شاه وقت اشکانی، پاکور (حدود ۷۸/۷۷ تا ۱۱۵ میلادی)، با مشکلات داخلی زیادی مواجه بود (ولسکی، ۱۳۸۲: ۱۹۷-۱۹۸)، شاهنشاهی اشکانی با موفقیت، نیرومندی و احاطه قدرت خود را به چینیان نشان می‌داد؛ بنابراین با اینکه رومیان در سال ۱۶۶ میلادی مستقیماً با چین رابطه برقرار کرده بودند، هنوز نفوذ کلام اشکانیان به میزانی بود که قلمرو شرقی روم در آسیا را از دید چینیان کاملاً محفوظ دارند.



نقشه شماره ۲: قلمرو اشکانیان در منابع چینی پس از برآمدن کوشانیان

نتیجه

در دوران باستان، یکی از راه‌های قدرت‌نمایی حکومت‌ها، معرفی قلمرو خود به‌عنوان قلمروی پهناور بود تا به این روش، حکومت‌های دیگر را به ترس و احترام وادارند. اشکانیان از این حیث از سنت‌های پیشین تبعیت می‌کردند و با وجود دسترس نداشتن به اسناد مکتوب داخلی، بازتاب تلاش‌های آنان را می‌توان در منابع چینی باز یافت. بررسی‌ها نشان می‌دهد اشکانیان پس از آشنایی با قدرت بزرگ شرقی، در تلاش بودند قلمرو خود را به‌عنوان یک حکومت مسلط در سرزمین‌های غربی چین بنمایانند و از آنجاکه حداکثر گستره نفوذ چینیان به شرق شاهنشاهی اشکانی محدود می‌شد، دست اشکانیان برای بزرگ‌نمایی قلمرو خود در غرب بازتر بود. به نظر می‌رسد اشکانیان همواره به دنبال پنهان ساختن حضور رومیان در حدود غربی خود از نگاه چینیان بودند و همواره تا پایان دوران اشکانی، چینیان، شاهنشاهی اشکانی را بزرگ‌ترین فرمانروای غربی می‌دانستند. یافته‌های این پژوهش نشان داد که از داده‌های موجود در منابع چینی می‌توان برای بازسازی حدود سرحدات شرقی شاهنشاهی اشکانی و تکمیل منابع دیگر بهره برد و گستره نفوذ و فعالیت‌های اشکانیان را در این حدود بهتر شناخت. بنابر یافته‌های این پژوهش، شاهنشاهی اشکانی در زمان اوج خود، از سواحل جنوبی دریای پارس در شبه‌جزیره عربستان تا خوارزم و فراسوی بلخ و حدود پنجاب را در اختیار داشت.

منابع

- آلنهایم، فرانس (۱۳۹۸)، *ساسانیان و هون‌ها*، ترجمه هوشنگ صادقی، تهران، فرزانه روز.
- آذرنوش، آذرتاش (۱۳۸۸)، *راه‌های نفوذ فارسی در فرهنگ و زبان عرب جاهلی*، تهران، توس.
- اسدی طوسی، ابونصر علی بن احمد (۱۳۵۴)، *گرشاسب‌نامه*، به اهتمام حبیب یغمائی، تهران، طهوری.
- امریک، آرای (۱۳۸۰)، آیین بودایی در میان اقوام ایرانی، *تاریخ ایران کمبریج*، جلد ۳ (۲)، ترجمه حسن انوشه، ویرایش احسان یارشاطر، تهران، امیرکبیر، صفحات ۳۹۷-۴۱۷.
- ایسیدور خاراکسی (۱۳۸۷)، *منزلگاه‌های اشکانی*، ترجمه علی اصغر میرزایی، تهران، ماهی.
- بروسیوس، ماریا (۱۳۹۶)، *ایرانیان باستان*، ترجمه مانی صالحی علامه، چاپ ۲، تهران، ثالث.
- بوپتارچی، اوسموند (۱۳۹۲)، هندوپارتیان، ترجمه فرید جواهر کلام، *امپراتوری اشکانی و اسناد و منابع آن*، گردآوری یوزف ویزهوفر، تهران، فرزانه روز، صفحات ۵۹۷-۶۲۶.
- بیوار، ایدرین دیوید (۱۳۸۰ الف)، تاریخ سیاسی ایران در دوره اشکانیان، *تاریخ ایران کمبریج*، جلد ۳ (۱)، ترجمه حسن انوشه، ویراسته احسان یارشاطر، تهران، امیرکبیر، صفحات ۱۲۳-۲۰۰.
- _____ (۱۳۸۰ ب)، تاریخ مشرق ایران، *تاریخ ایران کمبریج*، جلد ۳ (۱)، ترجمه حسن انوشه، ویراسته احسان یارشاطر، تهران، امیرکبیر، صفحات ۲۷۷-۳۳۴.
- _____ (۱۳۹۳)، *گوندوفارس و پارتیان هند، پارتیان*، ترجمه کاظم فیروزمند، ویراسته وستا سرخوش کرتیس و سارا استوارت، تهران، مرکز.

- پاوستوس بوزند (۱۳۹۷)، *تاریخ ارمنیان*، ترجمه گارون سارکسیان، تهران، نائیری.
- پُش، والتر (۱۳۹۲)، منابع چینی درباره اشکانیان، *امپراطوری اشکانی و اسناد و منابع آن*، ویراسته یوزف ویزهوفر، ترجمه هوشنگ صادقی، تهران، فرزانه روز، صفحات ۵۴۳-۵۶۲.
- پیرنیا، حسن (۱۳۹۱)، *تاریخ ایران باستان*، تهران، نگاه.
- پلوتارک (۱۳۴۶)، *حیات مردان نامی*، جلد ۳، ترجمه رضا مشایخی، تهران، نگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ترینا، جوستو (۱۴۰۰)، برآمدن ساسانیان، *ایران ساسانی در بستر عهد باستان متأخر*، به کوشش تورج دریایی، ترجمه مهناز بابایی، تهران، حکمت سینا، صفحات ۱۸۱-۲۰۰.
- دیاکونوف، ایگور میخائیلویچ (۱۳۴۵)، *تاریخ ماد*، ترجمه کریم کشاورز، تهران، نگاه ترجمه و نشر کتاب.
- دیاکونوف، میخائیل میخائیلویچ (۱۳۵۱)، *اشکانیان*، ترجمه کریم کشاورز، تهران، پیام. رزمجو، شاهرخ (۱۳۸۹)، *استوانه کوروش بزرگ*، تهران، فرزانه روز.
- زیمال، او. (۱۳۸۰)، *تاریخ سیاسی ماوراءالنهر، تاریخ ایران کمبریج*، جلد ۳ (۱)، ترجمه حسن انوشه، ویراسته احسان یارشاطر، تهران، امیرکبیر، صفحات ۳۳۵-۳۶۲.
- شپیمان، کلاوس (۱۳۹۸)، *مبانی تاریخ پارتیان*، ترجمه هوشنگ صادقی، تهران، فرزانه روز.
- فرای، ریچارد نلسون (۱۳۴۴)، *میراث باستانی ایران*، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران، نگاه ترجمه و نشر کتاب.
- فیتنجرالد، چارلز پاتریک (۱۳۸۴)، *تاریخ فرهنگ چین*، ترجمه اسماعیل دولتشاهی، تهران، علمی و فرهنگی.
- فن‌گوتشمید، آلفرد (۱۳۵۶)، *تاریخ ایران و ممالک همجوار آن از زمان اسکندر تا انقراض اشکانیان*، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران، نگاه ترجمه و نشر کتاب.
- کاشلنکو، گ. آ. (۱۳۸۵)، *دولت پارت، تاریخ ایران از زمان باستان تا امروز*، ترجمه کیخسرو کشاورزی، تهران، مروارید، صفحات ۱۳۳-۱۵۵.
- کالج، مالکوم (۱۳۸۸)، *اشکانیان*، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران، هیرمند.
- گرگوراتی، لئوناردو (۱۳۹۵)، اشکانیان در میانه روم و چین: مأموریت گان‌یینگ به غرب (سده یکم)، ترجمه کلثوم غضنفری و احسان‌الله سبط‌الشیخ، *فصل‌نامه جندی‌شاپور*، سال ۲، شماره ۸، صفحات ۷۸۶۸.
- لوکوک، پی‌یر (۱۳۸۹)، *کتیبه‌های هخامنشی*، ترجمه نازیلا خلخالی، تهران، فرزانه روز.
- لوکونین، ولادیمیر (۱۳۵۰)، *تمدن ایران ساسانی*، ترجمه عنایت‌الله رضا، تهران، نگاه ترجمه و نشر کتاب.
- _____ (۱۳۸۰)، *نهادهای سیاسی، اجتماعی و اداری، مالیات‌ها و دادوستد، تاریخ ایران کمبریج*، جلد ۳ (۲)، ترجمه حسن انوشه، ویرایش احسان یارشاطر، تهران، امیرکبیر.
- وانگ‌تائو (۱۳۹۳)، *پارت‌ها در چین: بازبینی گزارش‌های تاریخی، پارتیان*، ترجمه کاظم فیروزمند، ویراسته وستا سرخوش کرتیس و سارا استوارت، تهران، مرکز، صفحات ۱۱۱-۱۳۳.
- ولسکی، یوزف (۱۳۸۲)، *شاهنشاهی اشکانی*، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران، ققنوس.
- هرتسفلد، ارنست (۲۵۳۵)، *تاریخ باستانی ایران بر بنیاد باستان‌شناسی*، ترجمه علی‌اصغر حکمت، تهران، انجمن آثار ملی.

- Appian (2005), *the Syrian Wars 11*, available at Livius.org:
<https://www.livius.org/sources/content/appian/appian-the-syrian-wars/appian-the-syrian-wars-11/#55>.
- Ammianus Marcellinus (1862), *Roman History*, tr. C.D. Yonge, London: Henry G. Bohn.
- Bivar, A. D. H (2002), "Gondophares", *Encyclopædia Iranica (EIr)*, online edition, available at: <https://www.iranicaonline.org/articles/gondophares>
- (2009), "Kushan Dynasty i. Dynastic History," *EIr*, online edition, 2014, available at: <http://www.iranicaonline.org/articles/kushan-dynasty-i-history>
- Boodberg, Peter A (1936), "two Notes on the History of the Chinese Frontier", *Harvard Journal of Asiatic Studies*, vol. 1, No ¾.
- Buckley Ebrey, Patricia (1997), *the Cambridge Illustrated History of China*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Colles, Brian (1980), "Han and Shen-tu China's Ancient Relations with South Asia", *East and West*, vol. 30, 1/4, 157-177.
- Cribb, Joe (1985), "New Evidence of Indo-Parthian Political History", *Coin Hoards*, Vol. VII, 282-300.
- Diodorus Siculus (1814), *The Historical Library of Diodorus the Sicilian*, tr. G. Booth, H. Valesius, I. Rhodomannus, and F. Ursinus, London.
- Dubs, Homer H (1940), "A Military Contact between Chinese and Romans in 36 B.C.", *T'oung Pao, Second Series*, vol. 36, 64-80.
- Gloze Uta & Kerstin Storm (2010), "Chinesische Texte", Hackl, Ursula, Bruno Jacobs & Dieter Weber (eds.), *Quellen zur Geschichte des Partherreiches Textsammlung mit Uebersetzungen und Kommerntaren (Keilschriftliche Texte, Aramaeische Texte, Armenische Texte, Arabische Texte, Chinesische Texte)*, Band 3, Vandenhoeck & Ruprecht, 482-512.
- Gregoratti, Leonardo (2016), "Parthian Empire", *Encyclopedia of Empires*, Wiley Blackwell, 1-6.
- (2017), "Sinews of the other Empire: The Parthian Great King's Rule Over Vassal Kingdoms", *Sinews of Empire*, Edited by Hakon Fiane Teigen and Eivind Heldaas Seland, Oxford and Philadelphia: Oxbow Books.
- Hirth, F (1885), *China and the Roman Orient*, Leipsic & Munich: Georg Hirth.
- Justin, 1994, *Epitome of the Philippic history of Pompeius Trogus*, tr. Yardley, Scholar press: Atlanta.
- Hulsewé, A. F. P (1979), *China in Central Asi: The early stage 125 B C-AD23, An annotated translation of chapters 61 & 96 of the History of the Former Han Dynasty (Han shu)*, with an introduction by Loewe, Leiden: Brill.
- Kauz, Ralph & Liu Yingsheng (2008), "Armenia in Chinese Sources", *Iran and Caucasus*, vol. 12, 2, 175-190.
- Kryskiewicz, Hadrian Ludwik (2017), "The Parthians-a Worthy Enemy of Rome? Remarks on Roman-Parthian Political Conflict in the 1 st Cent. B.C., and its Influence on Roman Imperial Ideology", *Shidnij svit*, 3, 60-72.
- Leslie, D.D. & K.H.J. Gardiner (1982), "Chinese Knowledge of Western Asia During the Han", *T'oung Pao, Second Series*, vol. 68, 4/5, 254-308.
- (1995), "All Roads Lead to Rome: Chinese Knowledge of the Roman Empire", *Journal of Asian History*, vol. 29, 1, 61-81.

- McDowell, Robert H (1939), "The Indo-Parthian Frontier", *The American Historical Review*, Vol. 44, 4, 781-801.
- Overtom, Nikolaus Leo (2019), "A Reconsideration of Mithridates II's Early Reign: a "Savior" Restores the Eastern Frontier of the Parthian Empire", *Parthica*, Incontri di culture nel mondo antico 21, 43-55.
- Pasha Zanous, Hamidreza and Juping Yang (2018), "Arsacid Cities in the Hanshu and Houhanshu", *Iran and the Caucasus*, vol. 22, No. 2, 123-138.
- Pliny (1855), *Natural History*, vol. 2, tr. John Bostock & H.T. Riley, Henry G. Bohn, York Street, Covent Garden.
- Senior, R.C (2005), "Indo-Scythian Dynasty", *EIr*, online edition, available at <http://www.iranicaonline.org/articles/indo-scythian-dynasty-1> (accessed on 30 April 2017).
- Sima Qian (1971), *Records of the grand historian, translated from the Shih chi of Ssu-Ma Ch'ien*, tr. Burton Watson, vol.1, Columbia University Press.
- Sima Qian (1993), *Records of the grand historian, translated from the Shih chi of Ssu-Ma Ch'ien*, tr. Burton Watson, vol.2, Columbia University Press.
- Shahbazi, A. Sh (1993), "The Parthian Origins of the House of Rustam", *Bulletin of the Asia Institute*, New Series, vol. 7, 155-163.
- Smith, Vincent A (1906), "The Indo-Parthian Dynasties", *Zeitschrift der Deutschen Morgenlandischen Gesellschaft*, Vol. 60, 1, 49-72.
- Tacitus (1904), *The Annals of Tacitus*, tr. George Gilbert Ramsay, London: John Murray.
- Thorley, J (1971), "The Silk Trade between China and the Roman Empire at its Height, Circa A.D. 90-130", *Greece and Rome*, vol. 18, 1, 71-80.
- Wong, Jeremy Xiangyang (2018), What else Comes with the Goods? The Developments of the Tributary Systems of Han China, the Late Roman Empire and Steppe Empires, the University of Melbourne, School of Historical and Philosophical Studies.
- Wylie, A (1881), "Notes on the Western Regions; Tseen Han Shoo", *the Journal of the Anthropological Institute of Great Britain and Ireland*, Vol. 10, 20-73.
- Xenophon (1867), *Anabasis*, vol. 1, tr. Edward Spelman, New York: Harper & Brothers Publishers.